



۲۰۱۶/۱۱/۰۷



عارف عباسی

## چه بنویسیم و برای کی بنویسیم؟



طبیعت هنرمند، نقاش، صانع و مصور در آفرینش پدیده های اعجاز بر انگیزش نه تنها برای مخلوق متفکر، متمتع و متمایز که انسانش خوانند مسرت و لذت آفرید بلکه هریک رامنیع فهم و دانش و آزمایشگاه تحقیق درون کاوی نهان ها و آشنا به اسرار ساخت. نظام های دوار پر سیاره بر محور های ثابت نیرو بخش و گردش هر نظامی بر مدار نظام قوی تر و کلانتری، ابحار پهناوری با دنیای مخلوقاتش در اعماق نهانش، جنگلات انبوه و غلوی دارالحيات ملیون ها زنده جان، کوه های سر بفلک کشیده و یخچال های سترگش، دریاب های مست و خروشان و آبشار های ابهت ناکش، به ملیون ها زنده جان عظیم الجثه و کوچک پرنده، خزنده و جنبنده و نظام درونی تنازع البقاي شان هر کدام دارالعلوم پهناوری بوده و در ایجاد توازن و سلامت محیط زیست سر نشینان این کره خاکی نقش به سزا دارد.

نه توانی در خود سراغ دارم و نه نیروی خارق العاده ای تخیلات خلاق را در خود می یابم که این نیروی ملکوتی تخیل را چون پیران و پیشوایان ای مکتب با قلم وصلت بخشم تا دست خواننده را گرفته برایش فرصت سیر در صحنه های رویایی خود میسر سازم. ویا اگر بتوانم پرده از روی اسرار گوناگون زیبا و حیرت آور طبیعت چون نقاش چیره دست و یا مصور زیر دست با صنعت هنر زیبای نویسندگی بردارم، این کاری نیست که از هرکس پوره باشد که نه تنها به هنر نمایی قلم تکیه زند بلکه خلاقیت اندیشه را یار قلم سازد، بیافریند و پدید آورد، صحنه ساز باشد بفهماند، بگریاند و بخنداند. این بخش هنر زیبای نویسندگی است که به تار و نی روح می بخشد و به صدای سراینده اعجاز می آفریند.

خوب نویسی جوهر هر دانشی است روایات مؤرخ، تحقیقات محقق و تحلیل های عالم سیاسی و اقتصادی که آراسته با کمال هنر نویسندگی باشد موثر تر، دل پذیر تر و پذیرفتنی تر است.

با پیشکش نمودن این پیش گفتار منظور این است که با هر سبکی که می نویسیم و هر شیوه ایرا که به کار می گماریم در حیطة چنین نشراتی از فاصله های بسیار دور اتصال اندیشه و قلم ما با آن چه همین حالا در زادگاه ما می

گذرد است. این مسؤولیت سترگ و غیر قابل انکار همان قشری است که کاری از دستش ساخته نبود به هزاران آرمان والای انسانی با سینه های انباشته از اندوه در دیار غربت برای ابد آرامیدند ولی داغ به دل رفته هم خون دل خوردند و هم در پس دیوار آرزو مردند.

در اعصار مختلف گاهی قلم همراه با شمشیر بوده و نیرویش را در خدمت زور و استبداد قرار داده ولی اکثراً قلم چه در خامه های نظم و پدیده های ناب نثر، جامعه را بسوی معنی واقعی و خصلت خجسته آدمیت رهنمون گردیده به حیث عامل دگرگونی های اجتماعی تأثیر بسزا داشته و بیشتر راه خود از ظالم و ستم پیشه جدا کرده و با شهامت در برابر جهل، خرافات و بی عدالتی ها ایستاده مدافع حقوق مظلوم، بی نوا و بی صدا شده و ندای آدمیت بر آورده و قلم نقش براننده اش را در طول تاریخ برای رهایی انسان از استثمار زورمند، بازی نموده و با ایمان و اعتقاد به اصل مساوات طبیعی انسان رسم طبقات و بالا و پائین را مردود شمرده و آن را دست آویز اسارت گران عالم بشریت خوانده، بشریت را سزاوار تکریم و تعظیم دانسته نه تحقیر و توهین.

هموطن عزیز! من و تو هم به هر توانی که در قدرت است به پیروی از همین اصول می نویسیم. در پهلوی مطالب آموزنده علمی دیروز و امروز اکثریت ما را آرزو این است که اگر نوشته ما مورد توجه دو طبقه قرار گیرد:

- ۱- قشر حاکم و بر سر قدرت جامعه.
  - ۲- مردم به شمول آنهایی که تا حال نفهمیده اند، یا فریب خورده اند و یا راه خود گم کرده به بیراهه رفته اند.
- اگر متاع اندیشه من و تو در این دو بازار راه نداشت و خریداری نیافت و رسالت اصیل روشن گری را به جا نیاورد پس ما فقط برای خود نوشته ایم و شب لحاف قناعت را بر خود کشانده می گوئیم و الله امروز چیزی نوشتیم.

پایان